

Journal iranian political sociology

Vol. ۴, No. ۱, Spring ۲۰۲۱

<https://doi.org/10.3051/psi.2023.278931.1726>

Behavior of political factions of revolutionary Islamists in the Islamic Republic of Iran

The political structure of the Islamic Republic of Iran has a different nature. The constitution of the Islamic Republic has not been implemented by the party system. Representatives are elected individually by direct popular vote. In its various laws, the party is marginalized and ignored. In the absence of a party in the Islamic Republic, another institution called the faction has been formed. The faction is a broader concept than the party and represents beyond the party. The faction also has a different nature from the party. Unlike the party, the faction does not have rigid principles and includes different individuals and parties. The basic premise of this article is that politics among revolutionary Islamists in the Islamic Republic of Iran has been partisan. The fundamental question in this regard is which political factions existed within the revolutionary Islamists? The answer to this question requires that the reasons for the formation of factional politics also be answered. In answer to the main question, it must be said that three political factions can be considered among the revolutionary Islamists. On the other hand, he mentioned structural constraints on why factional politics has replaced party politics, such as the bitter historical experience of the party. The conceptual framework of this paper is partisanship and the research method chosen for this paper is historical studies.

<https://doi.org/10.3051/psi.2023.278931.1626>

رفتارشناسی جناح‌های سیاسی جریان اسلام‌گرایان انقلابی در جمهوری اسلامی ایران^۱

بین سال‌های (۱۳۵۷ الی ۱۳۶۸)

محمد محسن شارعی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

چکیده:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نظام حزبی توجهی نداشته است. نمایندگان به صورت منفرد و با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. در قوانین گوناگون آن نیز حزب به حاشیه رفته و مورد توجه قرار نگرفته است. در فقدان حزب در جمهوری اسلامی نهاد دیگری به نام جناح شکل گرفته است. جناح مفهومی وسیع‌تر از حزب است و فراتر از حزب را نشان می‌دهد. همچنین جناح ماهیتی متفاوت از حزب دارد. جناح برخلاف حزب اصول متصلبی را دارا نیست و افراد و احزاب مختلف را در بر می‌گیرد. این مقاله بر پایه دو پیش فرض تنظیم شده است نخست آن که سیاست در میان اسلام‌گرایان انقلابی در جمهوری اسلامی ایران به صورت جناحی بوده است. دوم آنکه چندین جناح سیاسی در میان اسلام‌گرایان وجود داشته است. سؤال اساسی در این مقاله رفتارشناسی جناح‌های سیاسی جریان اسلام‌گرای انقلابی در دهه نخست انقلاب اسلامی است. فرضیه آن نیز عبارت است از این که جناح‌های سیاسی جریان اسلام‌گرای انقلابی تا سال ۱۳۶۲ که هنوز جریان رقیب و مخالف سیاسی شان در عرصه سیاست به صورت توانمند حضور داشتند اختلافات خود را در سطح بسیار پایین نگهداشتند و پس از حذف جریان‌های رقیب و مخالف شکافها و اختلافات میان جناح‌های سیاسی تشدید و کامل شد. این اختلافات خود را در انتخاب نخست وزیر در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۴ و همچنین انتخابات‌های مجلس در دور دوم و سوم خود را نشان داده است. چارچوب مفهومی این مقاله تحزب و جناح و روش پژوهشی که برای این مقاله برگزیده شده است مطالعات تاریخی است.

کلیدواژه‌ها: اسلام‌گرایان انقلابی، آیت، جناح، چپ اسلام‌گرای انقلابی، حزب، راست اسلام‌گرای انقلابی

^۱ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری نویسنده در دانشگاه علامه طباطبایی (ره) به استاد راهنمایی جناب آقای دکتر غلامرضا خواجه سروی بوده است

^۱ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

در بهمن ماه ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پنج جریان اصلی در سیاست ایران حضور داشتند. جریان اسلام گرای انقلابی به رهبری امام خمینی (ره)، جریان لیبرال، جریان چپ سوسیالیستی، جریان محافظه کار (مسلمانان غیر سیاسی) و جریان سلطنت طلب در سیاست ایران حضور داشتند. در پنج سال نخست منازعات سهمگینی میان این پنج جریان شکل گرفت که در نهایت منجر به حذف چهار جریان دیگر از سیاست ایران شد و تنها یک جریان اسلام گرای انقلابی در سیاست ایران باقی ماند. اسلام گرایان انقلابی هرچند در برابر دیگر جریانات وحدت خود را حفظ می نمودند اما در درون خود دارای شکاف و چند دستگی بودند. برخلاف تصور برخی که گمان می کنند از مجلس سوم جناح بندی شکل گرفته است باید اذعان داشت که ریشه جناح بندی در میان اسلام گرایان به همان روزهای نخست باز می گردد. حوزه زمانی که این مقاله در نظر گرفته است از بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۸ را مورد مطالعه قرار داده است. در مورد نوآوری این مقاله باید گفت که برای نخستین بار به جناح سومی که در پژوهش های گوناگون مورد غفلت قرار گرفته است اشاره شده است. حسین بشیریه در کتاب دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران تنها به دو جناح راست و چپ سنتی اشاره داشته است و اتفاقاً منازعات را در سالهای نخست جستجو نکرده است. وی در این اثر نیروهای سیاسی سالهای نخست را در چهار گروه بنیادگرای اسلامی، لیبرال های طبقه متوسط، چپ گرایان اسلامی و احزاب سوسیالیست و مارکسیست تقسیم کرده است. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۷ تا ۳۳) بشیریه شکاف رخ داده را در طبقات سنتی دانست. (همان: ۸۲) وی گرایش نخست را اشرافی-بازاری-سنتی و گرایش دوم را خرده مالکانه-رادیکال-سنتی اعلام داشته است. وی هرچند هر دو گرایش را دارای ویژگی سنتی و شکافی درون طبقات سنتی دانسته است اما عبارات راست سنتی و چپ سنتی را به برخی روزنامه ها نسبت داده است. (همان) بشیریه منازعات میان جناح های سیاسی اسلام گرایان انقلابی را به دهه شصت خورشیدی نسبت داده است. (همان: ۸۲) نوآوری این مقاله به این است که اولاً اثبات شده است که سه جناح در میان اسلام گرایان بوده است. ثانیاً از همان آغاز این سه جناح با یکدیگر رقابت داشتند.

۱- چارچوب مفهومی

۱-۱: حزب

یکی از اساسی ترین مفاهیمی که در سیاست مطرح شده حزب است. معادل لاتین این عبارت party است. حزب مفهومی مدرن است که ریشه آن را می توان در حزب سوسیال دموکراسی آلمان در اواخر قرن نوزدهم دانست. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۵۰) تعارف گوناگونی از این عبارت وجود دارد. برخی از متفکران نیز بی آنکه تعریفی از حزب را ارائه دهند به سراغ هدف و ضرورت آن رفته اند. حزب گروهی متشکل از افرادی که دارای ایدئولوژی های یکسان بوده یا حداقل دارای مواضع سیاسی یکسانی باشند و نامزدی واحد برای انتخابات معرفی نمایند. احزاب و تشکلهای سیاسی یکی از عناصر تعیین کننده در دموکراسی نمایندگی می پندارد. میخلز پژوهشگر کلاسیک و سوسیالیست احزاب، نیز تصور دموکراسی بدون سازمان را معقول نمی داند. (میخلز، ۱۳۹۲: ۲۱) وی هرچند بهترین نوع حکومت را مشارکت مستقیم مردم یا به تعبیر خودش حکومت توده ها می پندارد اما امکان آن را به لحاظ فنی غیر ممکن می پندارد. (همان: ۲۱-۲۳) در تعریف دیگری تصاحب قدرت هدف احزاب پنداشته است. (دی. تنسی و جکسون، ۱۳۹۲: ۷۲۱) پیتر جویس

نیز هدف اصلی یک حزب را تامین قدرت و اعمال کنترل بر حکومت پنداشته است. (جويس، ۱۳۹۱: ۲۰۸) همانطور که مشخص است نوعاً ساختار حزب برای اقدام مسلحانه شکل نگرفته، بلکه برای رقابت دموکراتیک شکل گرفته است. البته احزاب به سازمان در نگاه برخی صاحب نظران اساساً تصور دموکراسی بدون وجود احزاب بی معنا است. اساساً تصور آزادی در دموکراسی های غربی بدون وجود حزب دور از ذهن معرفی شده است. احزاب گریز ناپذیر هستند. بدون احزاب امکان آن که دموکراسی ها بتوانند کار کنند وجود ندارد. ماکس وبر جامعه شناس آلمانی وجود احزاب را یکی از شاخص های توسعه سیاسی دانسته که به عنوان یک رابط فعال اجتماعی قلمداد می شود. (رضایی، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

عبارت حزب در قرآن مجید نوزده بار، هفت بار به صورت منفرد و یازده بار صورت جمع به کار رفته است. در قاموس قرآن آنچه برای توضیح آن بیان داشته است: «موارد استعمال آن در قرآن مجید نشان می دهد که وحدت عقیده و هدف در آن ملحوظ است و گرنه هر دسته و جماعت را حزب نگویند.» (فیرحی، ۱۳۹۶: ۱۱۴) فیرحی در تحلیلهای خود از آیات قرآن و زبان عرب جند به معنای سپاه را با حزب دارای تداخل معنایی دانسته است وی در باب تفاوت آن ها این گونه اذعان داشته است: «در حزب نوعی یارگیری غیرنظامی است که ممکن است به آرایش نظامی هم منجر شود، یا حداقل چنین ظرفیتی دارد. برعکس، جند ابتدا یارگیری نظامی را تداعی می کند که امکان دارد به آرایش اجتماعی-سیاسی نیز منتهی شود و یا دست کم چنین توانایی دارد.» (همان ۱۴۴) در تعریفی که فیرحی ارائه کرده است نوعی نگاه ایرانی دیده می شود. وی برای حزب آرایش نظامی را برای حزب قائل شده است حال آن که در تعاریفی که در میان متفکران غربی دیده می شود خبری از یارگیری نظامی نیست. همچنین وی برای نیروهای نظامی امتدادی سیاسی و اجتماعی متصور شده است که در میان جوامع پیشرفته چنین نگاهی وجود ندارد.

۲-۱: تحزب در ایران

قدمت مشروطه در ایران به انقلاب مشروطه باز می گردد. قانون اساسی مشروطه براساس نظام حزبی تنظیم گردید. تنها در متمم قانون اساسی مشروطه بی آن که نامی از حزب بیاورد؛ تشکل های سیاسی را محترم شمرده است: «انجمن ها و اجتماعاتی که مولد فتنه ی دینی و دنیوی و محل به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است.» (اصل ۲۱ متمم قانون اساسی مشروطه) در نخستین دوره پارلمان انتخابات صنفی بود اما در دوم دو حزب اعتدالیون و دموکرات حضور مستمر ثمر با مرانامه مشخص داشتند. رقابت های این دو حزب فراتر از فرایندهای دموکراتیک ماهیتی مسلحانه گرفت. در دوران پیشا رضاشاهی هرچند احزاب دوام اندکی داشتند اما ماهیت حزبی کاملاً مشخص بود. دموکرات، اعتدالیون، سوسیالیست و تجدد چهار حزب اصلی فراگیر آن ایام بودند. با ظهور رضا شاه حزب به حاشیه رفت. پس از رفتن رضا شاه در دوازده سال نخست دو حزب که بنیانگذاران آن از طرفداران سرسخت شوروی بودند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۴۸) و حزب دموکرات به رهبری قوام السلطنه (عظیمی، ۱۳۷۲: ۲۱۹) را نام برد. پس از کودتای ۱۳۳۲ دوران آزادی به پایان رسید و عصر اقتدارگرایی و اختناق شروع شد. محمدرضا پهلوی با تاسیس دو حزب ملیون و مردم تلاش کرد تا یک نظام حزبی ساختگی را ایجاد کند. پس از چندی حزب ایران نوین جایگزین حزب ملیون شد. سرانجام با انحلال هر دو حزب و تاسیس حزب رستاخیر سیاست تک حزبی اعمال شد. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۴۱) پس از پیروزی انقلاب اسلامی هرچند امام خمینی با حزب جمهوری اسلامی مخالفت نکردند اما از همان آغاز فعالیتهای حزبی در ایران امری پسندیده نبود. امام خمینی

در حکمی که برای انتصاب مهدی بازرگان به مقام نخست وزیری صادر کرد وی را از رویکرد حزبی در چپینش کابینه برحذر داشت. (صحیفه) اما از همان آغاز حزب گرایی در جمهوری اسلامی مورد بی توجهی بود. شکل گیری ائتلافهای غیر حزبی در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس نخست شورای اسلامی و دیگر انتخابات به خوبی قابل مشاهده است. در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی ائتلافی شکل گرفت که در آن ابوالحسن بنی صدر، عزت الله سحابی، آیت الله طالقانی در کنار اسلام گرایان انقلابی قرار داشتند. در انتخابات ریاست جمهوری تنها حزب جمهوری اسلامی به صورت حزبی وارد انتخابات شدند و در ابتدا جلال الدین فارسی را نامزد کردند؛ اما پس از آن به سراغ نامزدی غیر حزبی به نام حسن ابراهیم حبیبی رفتند. در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی نیز خبری از حزب نبود. حزب جمهوری اسلامی با احزاب و تشکل های همراه خود ائتلاف بزرگ را شکل داد. (خوش‌زاد، ۱۳۸۶: ۶۲ و ۶۳) این حزب نیز هرچند به عرصه ائتلاف وارد شد اما از دادن لیست امتناع کرد. برخلاف اسلام گرایان انقلابی، لیبرال ها حتی نتوانستند به ائتلاف واحد دست پیدا کنند. حزب نهضت آزادی نیز جسارت لازم را برای دادن لیست حزبی از خود نشان نداد و در نهایت در ائتلافی به نام همنام مشارکت کرد که با ائتلاف بزرگ نیز اعضای مشترک داشت. جبهه ملی و بنی صدر نیز لیستهای جداگانه ارائه دادند. حزب توده نیز از هرچند لیستی حزبی داد اما در لیست وی نیز نفراتی مشترک با دیگر احزاب و تشکل ها دیده می شد. وی نیز از این که لیستی تمام حزبی بدهد امتناع کرد. (خواججه سروی و شارعی، ۱۳۹۴: فصل نخست)

۳-۱: دلایل ناکامی تحزب:

الف) عدم حمایت قانون اساسی

هرچند ده سال نخست جمهوری اسلامی نظام سیاسی به پارلمانتاریستی نزدیک بود؛ اما در واقعیت از نظام حزبی حمایت نشده بود. نظام پارلمانتاریستی با تحزب ارتباط تنگاتنگی دارد و بدون وجود تحزب نظام پارلمانتاریستی به حاشیه رفته است. حزب توده از اکثریت تناسبی برای قانون اساسی حمایت می نمود. (شارعی، ۱۳۹۸) موضوعی که تنها در یک ساختار حزبی معنا پیدا می کرد. قانون اساسی در مورد انتخابات پارلمان در اصل شصت و دوم اذعان داشته است: «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم با رای مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.» در این اصل و دیگر اصول مربوط به پارلمان هیچ اشاره ای به حزب صورت نگرفته است. در مورد انتخابات ریاست جمهوری نیز قانون اساسی هیچ وقعی به احزاب نداده است. در اصل یکصد و چهاردهم اذعان شده است: «رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.» شرایط در قوانین عادی نیز برای احزاب مناسب نبود. انتخابات نخستین دوره مجلس به صورت اکثریت مطلق تعریف شده بود و نامزد مورد نظر باید پنجاه درصد آراء را کسب می کرد چنین اتفاقی به معنای آن بود که حداقل در عرصه نظر احزاب کوچک شانس برای ورود به مجلس نداشتند. (شارعی، ۱۳۹۸) علت آن که عبارت حداقل در نظر ذکر شده است به این دلیل است که با مقایسه آراء مشخص می شود که چنین نیست. همچنین علت آن که حداقل در نظر ذکر شد به این دلیل است که در واقعیت این

گونه نبود و میزان آرای نامزدهای احزاب کوچک کمتر از آن بود که بتوانند وارد مجلس شوند. این اتفاق باعث شد تا برخی انتخابات نخستین دوره مجلس را دو مرحله ای بنامند .

ب) بدبینی به احزاب

سابقه حزب در ایران با خوشنامی همراه نبوده است. خاطرات تحزب در ایران در سالهای نخست مشروطه خشونت و افراطی گری به همراه ترور بود. ترور آیت الله بهبهانی محصول رقابت حزبی بود که در ایران شکل گرفته بود. در دوران پهلوی دوم نیز نماد حزب گرایی، حزب توده که تشکیلی وابسته به شوروی و همچنین احزاب ملیون، مردم، ایران نوین و رستاخیز که به صورت اقتدارگرایانه و دستوری شکل گرفته بود. در چنین شرایطی بدبینی شدید به لحاظ تاریخی در مورد احزاب ایجاد شده است. اتفاق دیگری که بدبینی بر احزاب را تقویت کرد؛ اقدامات مسلحانه برخی گروه های چپ سوسیالیستی بود. این گونه اقدامات باعث شد تا بدبینی به احزاب تشدید گردد .

ج) سابقه فعالیتهای غیر حزبی

سال ها پیش از انقلاب اسلامی، لیبرال های ملی گرا در ایران، اقدام به تشکیل جبهه نمودند. اقدامی که شاید بتوان گفت جناح نیز امتداد چنین مفهومی دانست. در آستانه مجلس شانزدهم معترضان این بار در کاخ شاه بست نشستند و منجر به شکل گیری جبهه ملی گردید. مصدق به صورت دموکراتیک به عنوان رهبر جبهه ملی برگزیده شد. اکثریت جبهه ملی را لیبرال ها تشکیل می دادند اما دارای تکثر بودند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۱۰) با کودتای رخ داده جبهه ملی نیز به حاشیه رفت. در سال ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ جبهه ملی حیات مجدد خود را شروع کرد. کریم سنجابی تلاش داشت تا جبهه ملی را تبدیل به یک حزب کند. مسئله ای که از سوی بازرگان و نهضت آزادی مخالفت می شود. (نجاتی، ۱۳۷۷، ج اول: ۲-۴۰۱) این نکته به خوبی نشان می دهد که وجود تشکل های غیر حزبی میان حزب گرایانی همانند بازرگان نیز مورد توجه بوده است. در میان اسلام گرایان انقلابی نیز گرایش های غیر حزبی وجود داشت. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت تهران نمونه ای از همین تشکل ها است که ماهیتی غیر حزبی داشتند. در نهایت می توان به تجربه فراکسیونهای مجلس نیز اشاره کرد. فراکسیون هایی که در غیبت احزاب توانسته بودند در مجالس ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی فعالیت کنند.

د) ماهیت انقلاب اسلامی:

انقلاب اسلامی به لحاظ ماهیت و هویت امری طبقاتی و حزبی نبود. حضور توده مردم از اقشار و طبقات مختلف منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد. هرچند ساکنان شهرها نقش برجسته ای در قیام و پیروزی انقلاب اسلامی داشتند اما روستاییان نیز در این قیام مشارکت داشتند. روحانیون، روشنفکران و دانشجویان حضور فعال و هدایتگر در انقلاب اسلامی داشتند اما آنچه در پیروزی انقلاب را رقم زد موج کارگران، کارمندان، حاشیه نشین ها در اعتراض ها و تظاهرات بود. امام خمینی از همان آغاز هرچند با تحزب و تشکل های سیاسی مخالفتی نداشت اما به تعامل مستقیم با مردم اعتقاد داشت. مخاطب سخنان ایشان نه احزاب و تشکل های

سیاسی بلکه توده مردم بود. توده ای که در سالهای جنگ نیز در جبهه ها حضور داشتند. در نتیجه می توان گفت که ماهیت انقلاب اسلامی و نوع رهبری امام خمینی به گونه ای بود که مجال برای حضور احزاب به صورت ساختارمند را نمی داد.

بر این اساس با توجه به نگاه منفی که نسبت به احزاب شکل گرفته بود. مفهوم دیگری در سیاست ایران شکل گرفت که معروف به جناح شد. این مفهوم همانند تحزب امری متصلب نبود و افراد گوناگون را با نگرش های مختلف اما معتقد به اصول واحد در کنار یکدیگر قرار می دهد. مفهوم جناح فراتر از جمع احزاب نیز است بلکه در برگیرنده نخبگان سیاسی که عضو هیچ حزبی نیستند نیز می گردد. از سوی دیگر جناح محدود به فراکسیون های سیاسی مجلس و هیئت وزیران نیست و طیف وسیعی از افراد و تشکل ها را در بر می گیرد.

۲- جناح بندی های اسلام گرایان

پرسش اساسی که این مقاله براساس آن شکل گرفته است جناح بندی درون جریان اسلام گرایان انقلابی بود. از همان آغاز جریان اسلام گرایان انقلابی دارای وضعیتی یکسان نبودند.

الف) راست سنتی اسلام گرا

جناح راست سنتی اسلام گرا ارتباط عمیقی با بازار و روحانیت داشتند. توجه به بازار و اقتصاد بخش خصوصی و بورژوازی تجاری سنتی از دیگر ویژگی های راست سنتی اسلام گرا است. در این جناح عدالت دارای اهمیت کمتری نسبت به آزادی عمل در بازار دارد. راست سنتی به لحاظ فقهی نیز به صورت سنتی به قوانین توجه داشت قانون کار سال ها بعد در مجلس سوم به تصویب می رسد و همین نگرش سنتی و ایستا به فقه باعث می گردد که شورای نگهبان که محل تجمع فقهای مومن به فقه ایستا و موجود بودند رای به خلاف شرع بودن آن بدهند. (شارعی، ۱۳۹۸: ۲۷۶) راست سنتی در حوزه های علمیه نفوذ و اعتبار فراوانی داشت و در عرصه اقتصادی به بخش خصوصی توجه داشت البته باید گفت که این توجه به بخش خصوصی ماهیتی لیبرالی و مدرن نداشت بلکه سال ها بعد همین جریان در مقابل راست مدرن که قائل به شکل گیری بازارهای بزرگ و متمرکز مقاومت کرد همچنین این جناح نسبت به رقابتی بودن، شفاف و غیر انحصاری بودن بازار نیز همانند لیبرال ها نگاه پیشتازانه نداشت.

از دیگر مواردی که باید به آن اشاره کرد اعتقاد این جناح به مشارکت محدود بود. اظهار نظر در باب سیاست تنها محدود به روحانیت و ریش سفیدان که عمدتاً متمرکز در بازار بودند قرار داشت. این قرائت نسبت به ورود دانشگاه هیان به سیاست مقاومت داشت و به نوعی با محور قرار دادن ولایت سیاسی فقها، سیاست را در انحصار روحانیت تفسیر می نمود. این نوع نگاه در انتخابات مجلس دوم بسیار مطرح گردید که البته با واکنش امام (ره) روبرو شد. (شارعی، ۱۳۹۸: ۳۷۶)

در جامعتین هر چند غلبه با راست گرایان بود اما چپ ها نیز حضور داشتند حزب نیز تبدیل به وزن کشتی جناح های گوناگون شده بود. در این میان موفتلفه تنها ارگانی بود که به صورت یکپارچه در اختیار راست سنتی قرار داشت.

ب) چپ سنتی اسلام گرا

جناح چپ سنتی اسلام گرا حول محور مفاهیم «عدالت اجتماعی، کنترل دولت بر امور اقتصادی با هدف عدالت، روشنفکری دینی، نهادهای مدرن و دموکراتیک مصرح در قانون اساسی نظیر شوراها» (شادلو، ۱۳۸۱: ۳۴) مفصل بندی گردیده اند. در مورد این مفصل بندی باید گفت که چپ های سنتی اسلام گرا هر چند به نهادهای مدرن باور داشتند اما متعهد به دموکراسی نبودند در واقع می توان گفت که این تفکر به قرائت خاصی از دموکراسی شبیه دموکراسی های رادیکال باور داشتند همچنین باور آن ها به شورا را نمی توان به معنای اعتقاد به دموکراسی پنداشت. از سوی دیگر نوع روشنفکری که آن ها دنبال می کردند نه در عرصه الاهیات بلکه در عرصه امور اجتماعی و سیاسی و به صورت رادیکال و پیروی دکتر علی شریعتی بود. (شارعی، ۱۳۹۸: ۳۷۶) به لحاظ ساختاری چپ سنتی اسلام گرا از دو طیف فقیهان مایل به اندیشه های عدالت گرایانه و روشنفکران دینی چپ گرا تشکیل شده بود. اندیشه های چپ و سلفی جهان عرب بر روی برخی از این متفکران تاثیر داشته است.

این جناح به نقش دانشجویان و جوانان در عرصه سیاست توجه فراوان داشتند و دانشگاه به عنوان یکی از مراکز اصلی جذب آرا و بسیج توده این جناح بود. شکل گیری دفتر تحکیم وحدت اسلامی و تسخیر سفارت آمریکا (لانه جاسوسی) منجر به افزایش جایگاه دانشجویان در سیاست ورزی گردید با تسویه اعضای راست گرای دفتر تحکیم، این نهاد تبدیل به یکی از ارگان های چپ سنتی اسلام گرا گردید.

چپ های سنتی در نهادهای گوناگون سیاسی حضور داشتند. در جامعه مدرسین و جامعه روحانیت تقریباً طیف اقلیتی بودند در حزب جمهوری اسلامی ایران با راست سنتی برابری می کردند اما در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت اسلامی کنشگران چپ سنتی به نیروهای راست سنتی غلبه محسوس داشتند. این غلبه را می توان به خوبی در دفتر تحکیم وحدت مشاهده نمود. دفتری که با تسویه نیروهای راست تبدیل به کانونی کاملاً چپ شد.

ج) جناح آیت

جناح سومی که در تاریخ سیاسی ایران کمتر به آن توجه شده است؛ جناح آیت است. این جناح به رهبری آیت شکل گرفته بود و می توان گفت که در تضاد و تعارض و غیریت سازی گفتمانی خود را تعریف می کرد آیت در سال های پیش از انقلاب اسلامی از یاران مظفر بقایی بود. بقایی لیبرالی محافظه کار و البته سلطنت طلب بود آیت سال های جوانی خود را با عضویت در حزب زحمتکشان شروع کرد. حزبی که همانند رهبرش ماهیتی سکولار و حتی لائیک داشت. آیت اما یک تنه سراغ یک منازعه تاریخی شد و زخم های کوچک را صورت چرکین داد.

آیت که سابقه پیروی از مظفر بقایی را نیز داشت عداوت عجیبی با مصدق و پیروانش داشت. این عداوت البته ریشه در عداوت و کینه مظفر بقایی از مصدق نیز داشت. عداوت بقایی از مصدق باعث گردیده بود تا آن فرد لاییک در منازعه مصدق سکولار و مدرن با کاشانی سنتی و دینی حامی کاشانی گردد. این عداوت در نگاه مرحوم آیت نیز قابل ردیابی است آیت عبارتی به نام مصدقی بودن را ترویج کرد. این عبارت روشنفکران دینی، روشنفکران عرفی و تمام ارادتمندان به مصدق در دو جبهه سوسیالیسم و لیبرالیسم را در بر می گرفت. (شارعی، ۱۳۹۸: ۴۵۹) آیت در واقع فردی است که منازعه مصدق و کاشانی را احیا کرد وی در سال کودتا تنها پانزده سال سن داشت. در سال ۱۳۴۰ پس از رحلت آیات بروجردی و کاشانی به حزب زحمتکشان پیوست. حزب زحمتکشان

هرچند ماهیتی سکولار داشت اما گروهی از افراد مذهبی نیز در آن حضور داشتند. آیت و محمود کاشانی در جریان مبارزه روحانیون با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی خواستار همکاری بقایی با روحانیت گردید که البته بقایی امتناع نمود. (آبادیان، ۱۳۷۷: ۲۷۸) پس از اتفاقات پانزدهم خردادماه ۱۳۴۲ جناح مذهبی زحمتکشان به بقایی برای صدور اعلامیه اعمال فشار می‌کنند که در پانزدهم تیرماه حزب زحمتکشان اعلامیه‌ای را صادر می‌کند. جواد موگویی معتقد است که در این اعلامیه خطر اعدام امام خمینی (ره) را گوشزد کرده و پیشنهاد مرجعیت تامه ایشان را ارائه می‌دهد. (موگویی، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۷) موگویی بنا بر خاطرات از جزوه‌ای چهار صفحه‌ای که به صورت انبوه تکثیر و چاپ شده بود گفته است وی در آذرماه ۱۳۴۲ در نامه‌ای نزدیک به صد صفحه‌ای نکات گوناگونی را بیان داشته است. در آن ایام آیت ۲۵ سن دارد وی اعضای نهضت آزادی را به ریاکاری متهم کرده که در باطن اعتقادی به مذهب ندارند نام برده است. (آبادیان، ۱۳۷۷: ۵۱۲) و به نوعی بقایی را به ریا و استفاده ابزاری از مذهب دعوت می‌کند. «اکنون جمعیت نهضت آزادی با وجودی که گردانندگان آن در باطن اعتقادی به مذهب ندارند، از این نیرو حداکثر استفاده را می‌برند... ولی با وجود اینکه ما در این زمینه از آنان وضع مساعدتری داریم تا کنون از این نیرو آن چنان که باید استفاده نکردیم» (همان) آیت در همان نامه معروف خود خواستار حمله به شاه نبوده و پیامدگرایی را در سیاست اصل می‌پندارد. «البته من (آیت) نمی‌گویم چرا مانند نهضت آزادی به شاه حمله نمی‌کنیم که بعد مانند آنان ناچار به انکار باشیم. ولی لاقلاً بایستی مانند نشریات اخیر خودمان این موضوع را مسکوت می‌گذاریم. من در سیاست معتقد به حمله نیستم و معتقدم اگر کاری واقعا فوایدش بیشتر از مضارش باشد باید انجام داد.» (همان: ۲۸۱) آیت در همان نامه در حالی که امام (ره) ظهور کرده است بقایی را کاوه‌آهنگری خطاب کرده است که علیه ضحاک می‌تواند قیام کند. «پس از قرن‌ها مجدداً جامعه ما احساس می‌کند که احتیاج به یک کاوه دارد که با افراشتن درفش خود مردم را از دست ضحاک زمان برهاند... بدون استثنا چشم انتظارشان به شما (بقایی) دوخته شده و آن کاوه را در وجود شما جستجو می‌کنند.» (همان: ۲۸۲) در کتاب سراسر تحسین اسرار آیت تالیف جواد موگویی این عبارت را من نیافتم. بعد از نگارش نامه مواضع آیت در حزب رو به تندروی گردید. بقایی در برابر اعتراضات و هجمه‌ها سیاست دو گانه سکوت و صدور بیانیه تحت فشار مذهبیون عمل می‌کرد. البته وی در اعلامیه‌های اعتراضی خود نیز شاه را مخاطب قرار نمی‌داد. (موگویی، ۱۳۹۳: ۱۲۸) در همان نامه وی به رفتارهای شائبه برانگیز بقایی را تقویت سوءظن همکاری بقایی با دربار در نزد مردم دانست. (آبادیان، ۱۳۷۷: ۲۸۰) آیت در همان سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ به مدت یکسال از حزب به صورت موقت اخراج می‌گردد و ارتباطش با حزب قطع می‌گردد البته در سال ۱۳۵۲ بعد از افشا شدن اقدامات وی برای فعالیت مسلحانه حزب زحمتکشان به صورت کامل او را اخراج کرد. (موگویی، ۱۳۹۳: ۱۵۱) آیت به دنبال ایجاد تشکیلاتی محرمانه در ارتش بود. موگویی دو هدف را برای این اقدام برشمرده است که هدف نخست را درست گفته است اما هدف دوم دور از ذهن است. «یکی براندازی رژیم شاهنشاهی با برکناری شاه از طریق کودتا در ارتش؛ همانند آنچه جمال عبدالناصر در مصر انجام داده بود. دیگر اینکه در صورت موفق نشدن هدف اول، در آستانه‌ی انقلاب، از این تشکیلات برای پیشبرد اهداف انقلاب استفاده شود.» (موگویی، ۱۳۹۳: ۱۶۱-۲) آیت در همین مسیر با برخی از نیروهای انقلابی که اقدامات مسلحانه را مورد توجه داشتند همانند محمد منتظری ارتباط پیدا نمود.

آیت کاری را انجام می‌دهد که امام (ره) با آن مخالف بود و آن زنده کردن منازعات تاریخی بود. (شارعی، ۱۳۹۸: ۵۶۴) آیت از جمله کسانی است که تاریخ را زنده می‌کند و شخصیت‌های تاریخی را ماهیتی سیاسی می‌دهد و بردامانه شکاف و منازعات می‌افزاید.

آیت فردی است که هیچ گاه شاگرد امام(ره) نبود اما سابقه مبارزاتی داشت محور این جناح که فرزندان آیت الله کاشانی نیز در آن ورود داشتند احیای منازعه مصدق-کاشانی بود بی آنکه درک کنند زمانه تغییر یافته است و چنین منازعه‌ای در شرایط کنونی ناصحیح است. وی به همراه آیت الله محمد خامنه‌ای، زواره‌ای، فواد کریمی و تنی چند پیش نویس قانون اساسی براساس ولایت فقیه تنظیم نمودند و به تایید منتظری نیز رساندند. آیت هرچند عضو حزب جمهوری اسلامی می‌گردد اما رفتارهای ساختار شکنانه و غیر حزبی داشته است.

۳- شروع منازعات:

اواسط اسفندماه سالروز درگذشت محمد مصدق است هنوز یک ماه از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که جریان لیبرال و روشنفکر تصمیم داشتند تا بر سر مزار او مراسم یادبودی را برگزار کنند. مرحوم طالقانی سخنران مراسم بود. (آیندگان: ۱۳۵۷/۱۲/۱۵) جناح آیت و برخی از اعضای راست سنتی واکنش‌هایی را داشتند. اختلاف در مورد مصدق به نقطه‌ای می‌رسد که بعدها در حزب جمهوری اسلامی کمیته‌ای برای بررسی عملکرد مصدق شکل می‌گیرد هرچند به واسطه اعتراض جبهه ملی به لایحه قصاص و سخنرانی امام(ره) نسبت به جبهه ملی و مصدق آن کمیته بی‌معنا می‌گردد. (شارعی، ۱۳۹۸: ۶۱۵) مراسم یادبود علی شریعتی در خرداد سال ۱۳۵۸ نیز از مباحث اختلافی می‌شود.

آیت فردی که در تصویب اصل ولایت فقیه کوشش فراوان کرد فردی بود اختلافات را در درون جریان اسلام‌گرای انقلابی و همچنین میان جریان اسلام‌گرا و لیبرال تشدید کرد. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آیت با بنی‌صدر رقابت سختی را شروع کرد به گونه‌ای که بنی‌صدر نیز به رفتارهای اوبدین است. (مظفر، ۱۳۷۸)

آیت در مصاحبه‌ای امام خمینی(ره) را بهترین فرد برای ریاست جمهوری اعلام می‌دارد و پس از آن منتظری را پیشنهاد می‌دهد. منتظری از شاگردان مبرز امام(ره) همچنین از دوستان کاشانی است. آیت در رفتاری غیرتشکیلاتی در حالی که حزب بر روی حبیبی توافق کرده است نامزد می‌شود. (خواجه سروی وشارعی، ۱۳۹۲) جالب آنکه موگویی آیت را تنها نامزد حزب معرفی کرده است. (موگویی، ۱۳۹۳: ۳۴۳) حال آنکه نامزد حزب فرد دیگری بوده است. وی پس از حذف فارسی از رقابتها با استناد به قانون فوت یکی از نامزدها خواستار تعویق انتخابات شد و حتی پیشنهاد برگزاری انتخابات مجلس را پیش از انتخابات ریاست جمهوری بیان داشت. (جمهوری اسلامی: ۱۳۵۸/۱۱/۲) در آستانه مجلس نخست احتمال پیوستن بنی‌صدر به ائتلاف بزرگ و همچنین ائتلاف میان جامعه روحانیت مبارز با بنی‌صدر و دفتر هماهنگی‌های مردمی رییس جمهور افزایش یافته بود. از سوی یاران بنی‌صدر نبودن چمران، آیت، کاشانی و زواره‌ای در لیست سی نفره به واسطه اینکه علیه رییس جمهوری سخن گفته بودند شرط می‌گردد. (موگویی، ۱۳۹۳: ۳۶۷) اسلام‌گرایان به حضور مخالفان بنی‌صدر در لیست اصرار داشتند. (انقلاب اسلامی: ۱۳۵۸/۱۲/۲۵) آیت در انتخابات مجلس نخست در لیست تهران وارد مجلس می‌گردد. از همان روزهای نخست بحث اعتبارنامه و ماجرای نوار که در آن آیت در مورد بنی‌صدر مصدقی نکاتی را بیان داشته که خبر از کوشش برای انداختن بنی‌صدر می‌داد. (خواجه سروی وشارعی ۱۳۹۴، ۲۲)

آیت برخلاف نظر امام(ره) به تشدید منازعه با بنی‌صدر اقدام می‌کرد. اما آیت تنها به نزاع با جریان لیبرال محدود نبود. پس از برکناری بنی‌صدر شورای ریاست جمهوری تشکیل شد و رجایی مجدداً نخست‌وزیر شد. میرحسین موسوی را به‌عنوان وزیر خارجه

معرفی کرد. میرحسین موسوی از اعضای شورای مرکزی حزب و سردبیر روزنامه بود آیت در درون حزب مخالفت خود را اعلام می‌کند در رأی گیری درون حزب موسوی رأی لازم را می‌آورد و طبق آیین‌نامه حزب جمهوری اسلامی کسی حق صحبت علیه انتخاب حزب را نداشته است هرچند می‌توانسته است رأی منفی بدهد آیت در مخالفت با موسوی در مجلس سخنرانی می‌کند که باعث ناراحتی بهشتی نیز می‌گردد. (مهاجری، مهرنامه، ش ۲۶)

گویا شهید بهشتی به دنبال آن بوده است تا در فرآیند انتخابات شورای مرکزی حزب سیدحسن آیت را کنار بگذارد که شهادت بهشتی در تیرماه ۱۳۵۸ و شهادت آیت در مرداد همان سال این پرونده را مختومه می‌کند. البته جناح آیت در مجلس دوم در حادثه مک‌فارلین که تحت مدیریت هاشمی رفسنجانی در حالی انجام شده است جنجال دیگری ایجاد می‌کنند که با ورود امام(ره) خاتمه می‌یابد. (خواججه سروی و شاعری، ۲۰۶: ۱۳۹۴)

اما منازعه چپ سنتی و راست سنتی از فردای سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری شکل جدی تری گرفت رئیس جمهور منتخب مایل به انتخاب علی اکبر ولایتی نماینده مردم تهران به‌عنوان نخست‌وزیر بود. عسگر اولادی، غرضی، میرسلیم نیز به عنوان گزینه‌های نخست‌وزیری معرفی می‌گشتند. اما در مجلس اصداد (خواججه سروی، شاعری، ۱۳۹۴) موسوی نماینده مردم تبریز که سابقه چندماه وزارت خارجه را نیز داشت از اقبال بیشتری برخوردار بود. هرچند برخی بر نقش هاشمی رفسنجانی بر انتخاب موسوی تأیید دارند اما نباید فراموش کرد که در مجلس نخست نیروهای مصدقی نیز حضور داشتند و طبیعتاً موسوی با سابقه مصدقی به مراتب بیشتر از دیگر گزینه‌ها برای آن‌ها مطلوب بود. گویا برخی از اعضای راست سنتی نخست‌وزیری مرحوم مهدوی کنی را نیز مطرح می‌کردند که وی نیز رأی لازم را از سوی چپ‌ها نداشت. (شادلو، ۱۳۸۶: ۲۵) در نهایت ولایتی تنها ۷۴ رأی مثبت از مجلس دریافت کرد و ۸۰ نفر نیز به او رأی منفی دادند حال آن‌که موسوی توانست ۱۱۵ رأی مثبت کسب کند و تنها ۳۲ رأی مخالف داشته باشد. (شادلو، ۱۳۸۶: ۲۴ تا ۲۷) آیت الله خامنه‌ای رییس وقت در مورد چهل رأی ممتنع نسبت به ولایتی بیان داشت: «چهل رأی ممتنع وجود داشت و رأی ممتنع به معنای نداشتن شناخت از آقای ولایتی است، مطمئناً اگر این شناسایی‌ها را آن وکلای محترم هم داشتند رأی مثبت می‌دادند» (همان: ۲۶) عسگر اولادی از نقش موثر بهزاد نبوی در دولت موسوی سخن گفته است. (موگویی، ۱۳۹۳: ۵۹۰) در رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی موسوی زواره‌ای از اعضای تأثیرگذار در جناح راست سنتی در مخالفت با سلامتی وزیر کشاورزی تفاوت نگاه در حوزه اقتصادی در میان دو جناح به خوبی قابل فهم است «دولت باید شهادت به خرج بدهد و علیرغم تمامی شعارها وضع کاری مردم را مشخص کند نرسید که به شما بگویند طرفدار سرمایه دارها هستید» (کیهان: ۱۳۶۰/۸/۱۰) در این میان برخی از افراد راست سنتی اسلام‌گرا از قبیل بادامچیان به دنبال عزل نخست‌وزیر رفته بودند که با مخالفت هاشمی رفسنجانی روبرو می‌شوند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲: ۱۸۱) بعد از آن نیز استعفای هفت نفر از اعضای راست سنتی اسلام‌گرا از دولت مطرح شد که امام(ره) مخالفت کردند. (موگویی، ۱۳۹۳: ۵۹۰ تا ۵۹۱) در همین ایام احمد توکلی و عسگر اولادی همزمان در مرداد ۱۳۶۲ استعفا می‌دهند و از دولت خارج می‌شود و بعد از انتخابات مجلس دوم نیز پرورش استعفا می‌دهد

۴- مجلس دوم و مشخص شدن درخت اختلاف

در مجلس دوم اما نهضت آزادی تنها گروه سیاسی غیراسلام‌گرا باقی مانده از حضور در انتخابات انصراف داد. (بیانیه ش ۵: ۱۳۶۳/۱/۴) حزب جمهوری اسلامی با جامعه روحانیت لیستی مشترک را اعلام داشتند در این میان دفتر تحکیم و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم لیست‌های مستقلی دادند. در لیست دفتر تحکیم محسن میردامادی، ابراهیم اصغرزاده، معین دیده می شدند و شخصیت‌هایی همانند محمد یزدی و جلال الدین فارسی دیده نمی‌شوند. لیست دفتر تحکیم با لیست سی و پنج نفره جامعه روحانیت-حزب جمهوری اسلامی تفاوت‌های فاحشی داشت که برخی از آنان ذکر شد. (جمهوری اسلامی: ۱۳۶۳/۱/۱۴) هاشمی رفسنجانی سر لیست دفتر تحکیم بود. هاشمی پیش از انقلاب اسلامی با تشکیلات موتلفه ارتباط نزدیکی داشت حتی گویا اسلحه مربوط به ترور منصور را نیز او مهیا کرده بود. (میلانی، ۱۳۸۰: ۲۶) محسن میردامادی و ابراهیم اصغرزاده از فاتحان سفارت آمریکا و فعالین دانشجویی عضو دفتر تحکیم در لیست دفتر تحکیم حضور داشتند. (خواجه سروی و شارعی، ۱۳۹۴: ۵۲) لیست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اما معتدل تر بود. سازمان در آن ایام ماهیتی دوگانه داشته و قسمی به چپ سنتی و قسمی به راست سنتی مایل بودند.

یکی از منازعاتی که در انتخابات مجلس دوم ظهور یافت و نشان دهنده اختلاف اساسی میان راست سنتی و چپ سنتی هست نقشی است که برای گروه های مرجع قائل بودند جناح راست سنتی تنها گروه مرجعی را که قبول داشت روحانیت و مجتهدین بود و برای دانشجویان نقشی را قائل نبودند. امام(ره) اما نسبت به نگاه راست سنتی واکنش نشان دادند. « از قراری که من شنیده ام در دانشگاه بعضی اشخاصی رفته و گفته اند که دخالت در انتخابات دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است دانشگاهیان بدانند این را که همان طوری که یک مجتهدی در سرنوشت خودش باید دخالت کند یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند فرقی مابین دانشگاهی و دانشجو و مدرسه ای و اینها نیست، همه با هم هستند این که در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند این یک توطئه است برای این که شما جوانها را مایوس کنند باید همه توجه کنید و گول این حرفها را نخورید و در انتخابات به طور فعال همه دخالت کنید» (صحیفه امام، ج ۸، ۳۶۷ تا ۳۶۸)

۴-۱: انتخاب نخست وزیر

در سال ۱۳۶۴ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد. آیت الله خامنه ای به عنوان رییس جمهور برگزیده شد. آیت الله خامنه ای تمایلی برای انتخاب مجدد میرحسین موسوی به عنوان نخست وزیر نداشت. امام خمینی اما بنا بر برخی مصلحتها تمایل به انتخاب مجدد موسوی داشت. در نهایت رییس جمهور وقت که خود را مطیع ولی فقیه می‌دانست با آگاه شدن از نظر امام، سخن ایشان را اتمام حجت دانستند و موسوی را به مجلس معرفی کردند (میردار، ۱۳۸۴ ج دوم: ۷۵) در روز رای گیری در مورد نخست وزیری موسوی، نود و نه نفر از نمایندگان رای مخالف و ممتنع دادند. امام خمینی در حمایت از نود و نه نفر و پایان دادن به منازعه شکل گرفته بیان داشتند: «هیچ کس حق ندارد که راجع به مجلس جسارتی بکند، و مجلس حقش است که موافق و مخالف داشته باشد و ممتنع، و یک مسئله‌ای است که همیشه باید در مجلس باشد و این امری است که گذشت و در او هیچ صحبتی نیست.» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۳۹۷) انتخاب وزرا نیز باعث ایجاد شکاف میان دو جناح سیاسی گردید. رییس جمهور وقت به درستی نسبت به انتخاب وزراء دارای حساسیت بود و این مطلب را به رییس مجلس وقت نیز بیان داشته بود. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷: ۲۶۲) با این حال

موسوی نیز تمایل داشت تنها با نیروهای جناح چپ همکاری کند. اختلاف میان رییس جمهور و نخست وزیر منجر به تشکیل شورایی برای تایید وزراء گردید. (همان: ۲۷۱)

۴-۲: مک فارلین

حوادث مربوط به مجلس دوم تنها محدود به این حادثه نبود از دهه هشتاد میلادی سرزمین لبنان کانون گروگان‌گیری‌های متعدد بود (هاشمی و حمیدی، ۱۳۹۲: ۵۳-۶۶) و اساساً خشونت در سیاست لبنان موج می‌زد. یکی از گروه‌هایی که اکثراً آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها را گروگان می‌گرفت، گروه جهاد اسلامی بود، ایران همواره هرگونه ارتباط و دخالت در این گروگان‌گیری‌ها را تکذیب می‌کرد (همان: ۶۵). دولت ریگان در شرایط بحرانی قرار داشت و نگران آن بود که به سرنوشت کارتر دموکرات دچار نگردد. از سوی دیگر ایران نیز در شرایط تحریم تسلیحاتی قرار داشت. در چنین شرایطی با نقش‌آفرینی واسطه‌ها خرید تسلیحات ایران با آزادی گروگان‌ها گره خورد (همان: ۷۰). پس از برخی مذاکرات غیرمستقیم محموله‌هایی به ایران فروخته شد. در اسفند ۱۳۶۴ ملاقاتی با حضور محسن کنگرلو مشاور امنیتی نخست‌وزیر با آمریکایی‌ها صورت گرفت. در خردادماه ۱۳۶۵ مک‌فارلین مشاور مستعفی امنیت ملی آمریکا به عنوان نماینده ویژه رییس جمهور آمریکا و هیات همراه با گذرنامه ایرلندی به تهران آمدند (همان: ۱۱۵) پس از افشای مذاکرات برخی از نمایندگان در نامه ای خواستار سؤال از وزیر خارجه شدند که با واکنش امام خمینی روبرو شد. (خواجه سروی و شاری، ۱۳۹۴: ۶۱ تا ۶۲) در ماجرای مک فارلین جلال الدین فارسی منتقد موسوی و اسرافیلیان از نزدیکان مرحوم آیت نیز حضور داشتند. اسرافیلیان شرایط را نسبت به خود پس از سؤال مکتوب سخت و دشوار توصیف کرده است.

یکی دیگر از اتفاقات مجلس دوم، بازداشت سیداحمد مصطفوی کاشانی، آخرین فرزند آیت‌الله کاشانی بود. وی در مجلس نخست و مجلس دوم از شهرستان نظنز برگزیده شد. وی از منتقدان میرحسین موسوی بود. گویا در پاییز ۱۳۶۵ و شهید صیاد شیرازی و سرلشگر محسن رضایی اختلافاتی شکل می‌گیرد که منجر به برکناری صیاد شیرازی می‌شود. در ۱۴ آبان ۱۳۶۵ سیداحمد کاشانی به همراه چند تن از افسران ارتش به اتهام تحریک ارتشیان علیه سپاه پاسداران بازداشت شدند، اتهام کاشانی تنظیم و تهدید و تهیه و تکثیر و توزیع شب‌نامه‌ها با الهام از ضد انقلاب‌ها بود. (خواجه سروی و شاری، ۱۳۹۴: ۶۵)

پس از شهادت آیت، جناح وی در سیاست رو به ضعف رفت. اتفاقات رخ داده در مجلس دوم باعث شد تا این جناح حیات سیاسی اش در دهه شصت خورشیدی به اتمام برسد.

۵- مجلس سوم: تکامل نظم دو جناحی

شکاف میان جناح چپ و راست هر روز افزوده می‌شد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که متشکل از افراد هر دو جناح بود در مهرماه ۱۳۶۵ با پذیرش استعفای راستی کاشانی نماینده امام (ره)، انحلال سازمان نیز اعلام گشت. (صحیفه، ج ۲۰: ۱۳۹) در خرداد ۱۳۶۶ در حالی انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی پیش رو بود؛ امام خمینی با درخواست تعطیلی حزب جمهوری اسلامی موافقت کردند. (همان: ج ۲۰: ۲۷۶) در آستانه انتخابات مجلس سوم چپ و راست سنتی هویت‌های کاملاً مستقل یافتند. با نامه نگاری صورت گرفته امام با ارائه لیست مستقل در شهر تهران موافقت کردند. موسوی خوئینی‌ها، کروبوی، خاتمی، محتشمی پور

از نفرات اصلی مجمع جدید التاسیس بودند. (خواجه سروی و شاری، ۱۳۹۴: ۷۵ تا ۷۸) مجمع روحانیون در دور دوم انتخابات در سراسر کشور اقدام به تبلیغ نمود. ناطق نوری مخالفت جامعه روحانیت مبارز با حضور فخرالدین حجازی و هادی غفاری را از دلایل انشعاب دانسته است. (میردار، ج دوم، ۱۱۶: ۱۳۹۲) این انتخابات با دو گانه اسلام مستضعفین و اسلام آمریکایی همراه شد. چپ‌های اسلام گرای سنتی با بهره‌گیری از مفهوم اسلام آمریکایی که در سخنان امام خمینی مطرح می‌گشت راست را مصداق اسلام آمریکایی معرفی کردند. امام (ره) مردم را تشویق به انتخاب نمایندگان که در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفان (کیهان: ۱۳۶۷/۱/۱۵) دعوت می‌نمود. جناح چپ خود را مصداق گفتار امام معرفی کرد. مجلس سوم همچنین به سبب اختلاف نظر میان وزارت کشور و شورای نگهبان در تایید صلاحیت‌ها و تایید نتایج انتخابات با چالش‌هایی روبرو گشت.

۶- مصلحت و حکم ثانویه

یکی دیگر از حوزه‌های منازعه دو جناح سیاسی در دهه شصت خورشیدی را باید در مفهوم مصلحت و حکم ثانویه جستجو کرد. از همان مجلس نخست برخی مصوبات مجلس، از سوی شورای نگهبان خلاف شریعت تشخیص داده می‌شد. امام خمینی در سال ۱۳۶۰ در پاسخ به مکاتبه هاشمی رفسنجانی رییس مجلس وقت در موارد اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان نظر اکثریت وکلای مجلس با ذکر موقتی بودن آن در اموری که فعل یا ترک آن اختلال در نظام، مستلزم فساد یا حرج می‌گردد کافی دانستند. (خواجه سروی، شاری، ۱۳۶۴: ۶۶ تا ۶۷) جناح چپ به سبب اعتقاد به دخالت دولت در اقتصاد به مباحث ملی شدن صنایع، اصلاحات ارضی متمایل بود و برخی از این اقدامات نیز منجر به نقض شریعت می‌گشت. برخی نمایندگان نظر اکثریت وکلا را ابزاری برای تصویب خواسته‌های خود کرده بودند. منازعه میان مجلس و شورای نگهبان همچنان باقی مانده بود. در زمستان ۱۳۶۶ سران سه قوه به همراه نخست‌وزیر و مرحوم سید احمد خمینی از امام درخواست تعیین مرجعی برای پایان بخشیدن به اختلافات گشتند. با حکم ایشان مجمع تشخیص به ریاست رییس جمهور وقت شکل گرفت. (همان: ۶۷ تا ۶۹)

نتیجه‌گیری

سیاست داخلی در جمهوری اسلامی ایران برپایه مشروعیت حزب شکل نگرفته است. به لحاظ تاریخی نیز حزب در ایران با بدبینی همراه بوده است. تجربه منازعات دهه نخست مشروطه، حزب توده و حزب رستاخیز باعث گردید تا حزب در نگاه ایرانیان محبوب نباشد. تجربه جبهه ملی نیز نشان داد که تشکیلات‌های غیر حزبی و فرا حزبی در ایران می‌تواند راهگشا باشد. از سوی دیگر باید گفت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز نگاه بدبینانه به احزاب به واسطه رفتارهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) تشدید شد. از سوی دیگر نیاز به ائتلاف برای شکست دادن رقبا باعث شد تا زمینه برای شکل‌گیری جناح‌ها ایجاد شود. در جریان اسلام‌گرای انقلابی سه جناح سیاسی شکل گرفتند که عبارت بودند از: راست سنتی اسلام‌گرا، چپ سنتی اسلام‌گرا، آیت. این سه جناح پس از آن که رقبا خود را توانستند حذف کنند شکافهایشان افزایش یافت. جناح آیت پس از پایان مجلس دوم شورای اسلامی و اتفاقاتی از قبیل مک‌فارلین برای همیشه از صحنه سیاست ایران حذف گردیدند. در جریان انتخاب مجدد میرحسین موسوی به نخست‌وزیری دو جناح سیاسی در برابر یکدیگر قرار گرفتند؛ اما انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی باعث شد تا هویت سیاسی جناح چپ به صورت رسمی از سوی امام خمینی پذیرفته شود و دوران دو جناحی در ایران شروع گردد. دورانی که در مجلس پنجم پایان یافت.

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- امام خمینی، سید روح الله، صحیفه امام خمینی (ره)، سایت اینترنتی
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱) دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی، تهران: نگاه معاصر.
- جویس، پیتر و کریستین ام ویلدینگ (۱۳۹۱)، کتاب آشنایی با علوم سیاسی، ترجمه پرویز بابایی، نسخه موبایلی، تهران: نشر معین.
- خواجه سروی و شاعری، غلامرضا و محمدمحسن (۱۳۹۴) تاریخ تحولات سیاسی مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۵۸ تا ۱۳۹۴) تهران: انتشارات سرو اندیشه
- خواجه سروی، غلامرضا و علی اکبر رزمجو و محمد محسن شاعری (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- خوش زاد، اکبر (۱۳۸۶) مجلس شورای اسلامی، دوره اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دی تنسی و جکسون، استیون و ناجل (۱۳۹۲) مبانی سیاست، ترجمه جعفر محسنی دره بیدی، نسخه موبایلی، تهران: ققنوس.
- رضایی، اسدالله (۱۳۸۵) کالبد شکافی احزاب سیاسی، نسخه موبایلی، تهران: نشر آمه.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲) بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: نشر البرز.
- فیرحی، داود (۱۳۹۶) فقه و حکمرانی حزبی، نسخه موبایلی، تهران: نشر نی.
- قدسی زاده، پروین و دیگران (۱۳۸۹) حزب در ایران، نسخه موبایلی، تهران: نشر کتاب مرجع.
- گیدنز، آنتونی، کارن بردسال (۱۳۸۷) جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- موگویی، جواد (۱۳۹۳) اسرار آیت، زندگی و زمانه شهید دکتر حسن آیت، تهران: انتشارات اشراق
- میخلز، ربرت (۱۳۹۲) جامعه شناسی احزاب سیاسی (مطالعه ای در مورد گرایشهای الیگارشسی در دموکراسیها)، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: نشر قومس.
- میردار، مرتضی (۱۳۹۲) خاطرات حجت الاسلام و المسلمین ناطق نوری، تهران: انتشارات معارف انقلاب.
- میلانی، عباس (۱۳۸۰) معمای هویدا، تهران: انتشارات اختران

نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷) خاطرات بازرگان، شصت سال خدمت و مقاومت، دو جلدی، تهران: انتشارات رسا

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۷) امیدها و دلواپسی، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، به اهتمام سارا لاهوتی، تهران: انتشارات معارف انقلاب.

هاشمی و حمیدی، محسن و حبیب الله (۱۳۹۳) ماجرای مک فارلین (فروش سلاح، آزادی گروگان ها)، تهران: انتشارات معارف انقلاب.

روزنامه ها

- اطلاعات
- جمهوری اسلامی
- رسالت
- کیهان

بیانیه ها

بیانیه پنجم نهضت آزادی ایران (۱۳۶۳/۱/۱۴)

مقالات

خواجه سروی و شارعی، غلامرضا و محمد محسن (۱۳۹۳) جریان شناسی نیروهای سیاسی (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲)، شماره ۷۳، زمستان ۱۳۹۳، تهران: نشریه علمی پژوهشی راهبرد.

پایان نامه

شارعی، محمد محسن (۱۳۹۸) چگونگی تفوق اسلام گرایان انقلابی در ایران، پایان نامه دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.